

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

نشریه داخلی تهران مردادماه و نیمه اول شهریورماه ۱۳۸۵ خورشیدی شماره ۱۵۲ به همراه پیوست ویژه مشروطیت

بنام خداوند جان و خرد

با توجه به شرایط بشدت بحرانی منطقه که برآند آنرا با مسئله غنی سازی اورانیوم پیوند دهند و ضربه های ویرانگری به کشور وارد سازند، منافع ملی تعلیق غنی سازی را ایجاب می کند

نگاهی به آخرین رویدادها، موضع گیریها و تحلیل ها درباره شدت یافتن ابعاد بحران هسته ای ایران

جنگ ۲۴ روزه اسرائیل علیه لبنان در حالی پایان یافت که دست کم ۱۲۰۰ لبنانی کشته، ۳۷۰۰ نفر مجروح و بیش از ۹۰۰ هزار نفر آواره شدند. همچنین ۳۰ مرکز حیاتی از جمله منابع آب و برق لبنان، ۶۳۰ کیلومتر از راه های آن، ۳۲ پایگاه سوخت، ۱۴۵ پل، هفت هزار منزل مسکونی و ۹ هزار کارخانه، مکان تجاری، مزرعه و بازار خسارت دید. همچنین دکل های رادیو و تلویزیون و مخابراتی لبنان، اماکن عبادی و مقرهای وابسته به حزب... نیز در این جنگ خسارت های زیادی دید. پس از پایان جنگ طرفین درگیر سعی دارند خود را پیروز جنگ جلوه دهند. حال سوال این است که با وجود تلفات قابل ملاحظه ای که مقاومت لبنان به اسرائیل وارد نموده، آیا این مقابله به مثل طرف لبنانی، آنطور که می توانست موثر بوده است؟ به عبارت دیگر تلفات و خسارت هایی که حزب... به اسرائیل وارد نمود تا چه حد به امکان بالقوه ای که در مقابله به مثل ضربتی و متمرکز داشت نزدیک بوده؟ و آیا این برنامه ای برای تضعیف تدریجی و عقب راندن حزب... از مناطق جنوبی لبنان نبوده است؟ با وجود اینکه اسرائیلی ها متحمل بیش از ۱۴۰ کشته و ۵ میلیارد دلار خسارت مالی شدند چه کسی بیشتر از این جنگ متضرر شد؟ مهمتر از این اما، آنچه به دو طرف اجازه داده است که ادعای پیروزی کنند این است که سرنوشت نهایی جنگ با پایان یافتن جنگ تعیین نشده و این سرنوشت قرار است از طریق دیپلماسی پس از جنگ رقم بخورد. ادامه در صفحه ۲

دهی به روسیه و چین، سرانجام هر دوی آنها در کنار سه دولت امریکا، انگلستان و فرانسه قرار گرفتند و همگام با آلمان قطعنامه شورای امنیت را علیه ایران صادر کردند. حاکمان جمهوری اسلامی که برای پاسخگویی به "بسته" پیشنهادی سیاست وقت کشی را در پیش گرفتند، هیچگاه تصور آنرا نداشتند که قدرتهای جهانی صاحب حق و تو در اجتماعی همه جانبه با تصویب قطعنامه آنها را در بن بست قرار دهند. ولی واقعیت اینست که تا نهم شهریور زمان کوتاهی در پیش است و با توجه به سخنان بر قدرت نشستگان جمهوری اسلامی دور به نظر می رسد که شورای امنیت بجز تعلیق غنی سازی هیچ پاسخ دیگری را از آنها نپذیرد. موضع گیریهایی که در بالا بدان اشاره رفت این نگرانی شدید را در جامعه پدیدار ساخته که قطعنامه بعدی شورای امنیت لحن بسیار تندتری داشته باشد و در آن، افزون بر تحریم های احتمالی اقتصادی، زمینه سازی هایی برای برخورد های بازدارنده نظامی یکجانبه امریکا در نظر گرفته شود. اگر بر این باور باشیم که امریکا در شرایط موجود خاورمیانه پذیرای خدشه وارد گشتن بر سیاست برتری طلبانه "ژئومونیکش" نخواهد بود، می توان استنباط کرد که موضع گیری های شدید بوش، در فرادای پس از اعلان آتش بس، علیه ایران را به عنوان یک تهدید گذرا نباید تلقی کرد و با توجه به اظهار نظر "سیمور هرش" درباره جنگ لبنان به عنوان یک "زمایش آزمونی" به منظور هدف قرار دادن شماری از مراکز حساس ایران، باید بشدت نگران برخوردی ویرانگر بود که می تواند حتی بدون حضور نیروی زمینی همه چیز را درهم بکوبد. پدیده دردناکی که بنظر می رسد، برای بخشی از حاکمیت به عنوان فرصت برای تثبیت و ادامه حکومتشان تلقی بگردد و آنرا نعمت بشمارند.

جبهه ملی ایران به همه ملت ایران هشدار می دهد که خطر را دست کم نگیرند و اجازه ندهند تا جماعتی قدرت طلب این سرزمین را به آتش بکشند. ما بر این باوریم که با توجه به حساسیت شدید منطقه و موضع گیریهای همه جانبه کشورهای منطقه و قدرتهای فراسوی آن در برابر حاکمان ایران، وقت آن رسیده است تا با تشکیل "کنگره نجات ملی" با شرکت نیروهای مورد اعتماد ملت، شرایطی فراهم آید تا بتوان از راه سازمان ملل، گامهای بلند و موثری برای تقاضم و تعامل با کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی برداشته شود. باشد که جز بشدت بحرانی موجود دگرگون گشته یکپارچگی و استقلال کشور از هرگونه خطری مصون بماند و میهنمان به ویرانی کشیده نشود.

سرانجام جنگ خونین و ویرانگر لبنان با اعلان آتش بس به پایان خود رسید و در عمل با استقرار ارتش لبنان و نیروهای حافظ صلح زیر فرماندهی ایتالیا در روزها و هفته های آینده در جنوب رودخانه لیتانی، اسرائیل و امریکا به خواست عمده خود برای عقب راندن نیروهای حزب... از جنوب لبنان دست یافتند. یک روز بعد از اعلان آتش بس، رئیس جمهور امریکا در یک سخنرانی صریح و بی پرده، ایران را به عنوان تجهیز کننده و تحریک کننده اصلی حزب... و عامل همه ویرانگری ها در لبنان معرفی کرد. او با صراحت گفت: "رژیم ایران حمایت مالی سلاح و آموزش را برای حزب... فراهم میکند... ایران بروشنی اعلام کرده است که نابودی اسرائیل را خواستار است. فقط می توان تصور کرد این درگیری چه اندازه خطرناکتر می شد اگر ایران آن سلاح هسته ای را که دنبالش است در اختیار می داشت. وظیفه نه تنها امریکا و بلکه جهان این است که مستمرا" به ایرانی ها الزاماتشان را مبنی بر عدم توسعه برنامه تسلیحات هسته ای و عدم تقویت تروریسم و ارتقای آن تکرار کنند."

افزون بر آن، مهمترین رسانه های عرب زبان مطرح در دنیا، چون: شرق الاوسط، الاهرام، الجمهوری (ارگان دولت مصر)، الایام (به اعتباری ارگان دولت خودمختار فلسطین)، الوطن (چاپ عربستان)، عرب تایمز (چاپ کویت) و... همه و همه نیز یک صدا لبه تیز تیغ حمله را متوجه ایران ساختند و اعلام داشتند که تهران و دمشق حزب... و حماس را برای بازی در صحنه معادلات سیاسی به بازی گرفتند. عبدالرحیم علی "مدیر مرکز عربی مطالعات اسلام و دموکراسی در الاهرام نوشت: همزمانی اقدامات حزب... با ارجاع مجدد پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت، اثبات کننده دست داشتن ایران در این بحران است. ایران در پرونده هسته ای خود از لبنان، فلسطین و عراق به عنوان برگهای برنده خود استفاده می کند. ارگان دولت مصر با وجود سفرهای پی در پی مقامهای سیاسی ایران به مصر برای جلب نظر آن کشور، این چنین در برابر ایران موضع می گیرد: "حزب... و حماس اعلان ایران اتد. ایران و امریکا نبردی را با یکدیگر آغاز کرده اند که بازیگران آن اعراب هستند. هیچ یک از طرفین نمی خواهند در این بحران دستان خود را آلوده کنند. بنابراین، ترجیح می دهند اعراب را قربانی نبرد منافع خود کنند."

سانه ها اعلام داشتند که دولت ترکیه در تمام مدت نبرد تسهیلات لازم را برای فرستادن موشکهای هوشمند امریکا به اسرائیل در اختیار آن دولت قرار داد. موضع گیریهای تند انگلستان و در آغاز نبرد فرانسه را نیز بخاطر داریم. از سوی دیگر، می دانیم که پس از چندماه گفتگوهای تنگاتنگ و باج

دیگر مطالب

پیوست ویژه مشروطیت

صفحات ۶ - ۴

آخرین مواضع، دیدگاهها و

بیانیه های جبهه ملی ایران

صفحه ۷

اخبار جبهه ملی

صفحه آخر

یا همان Version-Demo برنامه حمله به تاسیسات اتمی ایران بوده و از این رو آمریکا از حمله اسرائیل به لبنان حمایت پشتیبانی کرده است. مقامات ایالات متحده آمریکا مقاله سیمور هرش را بی اساس خوانده و مدعی شده اند که آنان تا پیش از شروع حمله اسرائیل به لبنان کوچکترین اطلاعی از قضیه نداشته اند. سفیر اسرائیل در واشنگتن نیز اعلام کرده است که اسرائیل پیش از ماجرای گروگانگیری سرپازانش هیچ برنامه ای برای حمله به لبنان نداشته و این حمله در واقع به دولت اسرائیل تحمیل شده است.

بی بی سی ۱۳۸۵/۵/۳۱ - 'ایران مانع بازدید بازرسان از تاسیسات نفتزد شد': خبرگزاری آسوشیتدپرس به نقل از دیپلمات ها و مقام های سازمان ملل که نخواستند نامشان به خاطر حساسیت موضوع فاش شود نوشت این بازرسان قصد بازدید از یک مرکز تولید اورانیوم غنی شده در نفتزد را داشتند که برای حفاظت در برابر بیماران در دل زمین ساخته می شود. بنا به این گزارش این دیپلمات ها همچنین گفتند که علاوه بر این ایران در چند هفته گذشته از دادن روایتی به دو بازرس آژانس بین المللی انرژی اتمی خودداری کرده در حالی که پیشتر در تابستان جاری نیز از دادن روایتی به کریس شارلیه، کارشناسی که سرپرستی بازرسی ها از تاسیسات ایران را به عهده دارد امتناع کرده بود. نکته دیگری که این دیپلمات ها در زمینه کاهش همکاری ایران با آژانس به آن اشاره کردند این بود که ایران به سایر بازرسانی که هفته گذشته از این کشور بازدید کردند تنها روایتی یک بار ورود داد در حالی که معمولاً این وزیها حاوی مجوز چند بار ورود به کشور است. اما به گزارش شارلیه روایتی که ادعاهای مشابهی را از سوی دیپلمات ها گزارش کرد، یک مقام ارشد ایرانی خبر ممانعت از بازدید بازرسان از تاسیسات نفتزد را تکذیب کرده است.

بی بی سی ۱۳۸۵/۶/۱ - 'پیشنهاد ایران درباره پرونده اتمی اش جوایگو نیست': دولت آمریکا گفته است که پیشنهاد ایران برای مذاکره درباره پرونده اتمی اش 'جوایگو' خواسته های سازمان ملل نیست. به گفته آمریکا توقف غنی سازی اورانیوم نخستین قدمی است که ایران باید در راه مذاکره درباره پرونده هسته ای اش بردارد.

بی بی سی ۱۳۸۵/۶/۲ - کنگره آمریکا می گوید اطلاعات این کشور از توانایی هسته ای ایران ناقص است: در تحولی دیگر، یک کمیته اطلاعاتی سنای کنگره آمریکا در گزارشی گفته است ایالات متحده آمادگی لازم برای ارزیابی توانایی هسته ای ایران را ندارد. در این گزارش، که به گفته خبرنگار بی بی سی یادآور اطلاعات مربوط به برنامه های تسلیحاتی رژیم سابق عراق است، به فقدان اطلاعات در مورد جنبه های قابل توجهی از برنامه های تسلیحات هسته ای، شیمیایی و میکروبی ایران اشاره شده است. این کمیته خواستار تقویت فعالیت های سازمان های امنیتی آمریکا درباره برنامه اتمی ایران و افزایش استخدام نیروهای فارسی زبان شده است. همچنین فرانسه به اظهارات مقامات ایرانی در مورد مذاکره برای حل بحران هسته ای این کشور واکنش سردی نشان داده است. فیلیپ دوست بلازی، وزیر خارجه فرانسه، گفته است که شرط از سرگیری مذاکرات این است که ایران غنی سازی اورانیوم را به حالت تعلیق در آورد. در مقابل، چین و روسیه بر مذاکره به عنوان راه حل بحران هسته ای ایران تاکید کرده اند.

روز ۱۳۸۵/۶/۲ - فرانس پرس: آیا ایران در سیاره ای دیگری قرار دارد؟ به دنبال پاسخ علی لاریجانی، مسؤول مذاکرات پرونده اتمی ایران، مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی آماده است تا از روز ۲۳ اوت [مطابق با اول شهریور ماه] به طور جدی مذاکرات را آغاز نماید، ایالات متحده هشدار داد که این پاسخ به هیچ وجه رضایت بخش نبوده و هر چه سریع تر برای تصویب تحریم های اقتصادی علیه ایران در شورای امنیت اقدام خواهد کرد.

روز ۱۳۸۵/۶/۲ - تلاش برای رمزگشایی پاسخ تهران: ... اگرچه وزیر خارجه فرانسه ایران را در صورت ارائه جواب منفی به انزوا و در واقع تحریم توسط شورای امنیت سازمان ملل تحریم کرده، روسیه اعلام داشته که هنوز در اینکه بشکوه خواهد در صورت عدم اجابت بسته پیشنهادی یا قطعنامه سازمان ملل در اقدامی علیه ایران مشارکت کند تردید دارد. میخائیل کامینین سخنگوی وزارت خارجه روسیه به شبکه وست-۲۴ روسیه گفته است: 'خیلی خام است که بخواهیم پیش از فرارسیدن ضرب الاجل سازمان ملل درخصوص قطعنامه ۱۶۹۶ اظهار نظر کنیم'. همچنین روسیه یک روز بعد از اعلام پاسخ ایران به بسته پیشنهادی اعلام کرد که همچنان تلاش می کند حل مساله هسته ای ایران از طریق آژانس بین المللی انرژی اتمی انجام پذیرد. خبرگزاری اینترنکس گزارش داده است که وزارت خارجه روسیه همراه با دیگر کشورهای عضو دائم شورای امنیت در حال پاسخگویی به پاسخ ایران هستند.

بی بی سی ۱۳۸۵/۶/۵ - هشدار نایب رئیس مجلس ایران به کشورهای غربی: محمد رضا باهنر، نایب رئیس مجلس ایران، تهدید کرده در صورت فشار غرب ممکن است با درخواست مردم، مجلس شورای اسلامی خروج از ان بی بی تی را تصویب کرده و دولت نیز برای مقابله با تهدیدات هسته ای، سلاح هسته ای تولید کند. آقای باهنر که سمت دبیر کلی جامعه اسلامی مهندسان را نیز در اختیار دارد، در گفتگویی با هفته نامه جام ارگان این تشکل سیاسی، خطاب به کشورهای غربی گفته است: 'خوشتنداری ملت ایران حدی دارد و اگر بخواهند آن را از حد بگذرانند ملت ما که نسبت به حسن نیت کشورهای غربی سوء ظن شدید پیدا کرده، مجلس شورای اسلامی را وادار خواهد کرد تا خروج از ان بی بی تی را تصویب کند'.

ناگفته نماند سید حسن نصر...، دبیرکل حزب... لبنان در مصاحبه با یک شبکه تلویزیونی لبنان گفته است: اگر می دانستیم ربودن سربازها به اینجا می کشد، قطعاً این کار را انجام نمی دادیم. سید حسن نصر... در مصاحبه خود گفته است: 'حالا از من بپرسید که اگر ۱۱ ژوئیه بود و یک درصد احتمال می دادیم که ربودن دو سرباز اسرائیلی به جنگی شبیه این جنگی که رخ داد منجر خواهد شد، آیا باز هم عملیات گروگانگیری را انجام می دادیم؟ پاسخ من این است که نه؛ قطعاً نه! هم به دلایل انسانی و اخلاقی، هم به دلایل امنیتی، نظامی و سیاسی.' (منبع: بی بی سی)

اما موضوع مهمتر این است که قدرت های غربی در طول جنگ و پس از آن مکرراً سعی کردند که موضوع مناقشه را به دو کشور سوریه و ایران - مخصوصاً ایران - پیوند بزنند و آن را نتیجه تحریکات و نقش آفرینی های این دو کشور نشان دهند. به طوریکه در دو اظهار نظر جداگانه جان پوتونوف سفیر ایالات متحده در سازمان ملل و ایهود المرت نخست وزیر اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران را متهم کردند که برای منحرف کردن توجه سران هشت کشور صنعتی جهان از برنامه هسته ای خود، حزب... لبنان را برای آغاز جنگ با اسرائیل تحریک کرده است. در همین راستا تونی بلر نخست وزیر انگلیس، نیز در سخنرانی ای رسمی دولت های ایران و سوریه را به حمایت از تروریسم و تشویق افراط گرایی در خاورمیانه متهم کرد و در این مورد به آنها هشدار داد. وی عنوان کرد: 'یا قواعد بازی را بپذیرید یا با شما برخورد خواهد شد'. با توجه به وضعیت پرتنش پرونده هسته ای ایران و با فشاری مقام های ایرانی بر ادامه غنی سازی و عدم قبول هرگونه پیش شرط برای ادامه مذاکره، و تلاش پیگیر و سرسختانه ایالات متحده آمریکا برای به چالش کشاندن حکومت ایران، به نظر می رسد جنگ لبنان دستاویز مناسب و بهانه محکمی برای آمریکا در راستای ادعاهای این کشور در زمینه تروریسم و پیوند آن با مسئله انرژی هسته ای بوده.

با پایان یافتن جنگ، و با ارائه پاسخ ایران به بسته پیشنهادی گروه ۵+۱ موضوع پرونده انرژی هسته ای ایران دوباره در صدر اخبار و تحلیل های محافل خبری و سیاسی قرار گرفت. در ادامه خلاصه ای از مهمترین اخبار و تحلیل های سیاسی را برای آگاهی خوانندگان پیام جبهه ملی می آوریم:

ایلنا ۱۳۸۵/۰۵/۲۲ - جرح یوش: اگر ایران دارای سلاح هسته ای بود، مناقشه لبنان طور دیگری رقم می خورد: رئیس جمهور آمریکا ادعا کرده بحران یک ماهه لبنان با شکست حزب... پایان یافت اما اگر ایران دارای تسلیحات هسته ای بود، مناقشه به نوع دیگری رقم می خورد. وی مدعی شده غیرنظامیان در لبنان و اسرائیل از خشونت های اخیر آسیب دیدند، ما متعهدیم مسوولیت این آسیب ها و رنج ها بر عهده حزب... است. یوش در ادامه ادعاهای خود افزود: مسوولیت رنج مردم لبنان بر عهده کشورهای حامی حزب... یعنی ایران و سوریه نیز است. دولت ایران از حزب... حمایت مالی می کند و برای آنها تسلیحات فراهم می کند و به آنها آموزش می دهد. وی گفت: ایران شفاف بیان کرده است که به دنبال نابودی اسرائیل است و ما تنها می توانیم تصور کنیم اگر ایران تسلیحات هسته ای داشت این مناقشه تا چه میزان خطرناک بود.

صدای آلمان ۱۳۸۵/۵/۲۶ - برنامه نظامی آمریکا علیه ایران، درباره مقاله جنجالی دیگری از سیمور هرش در 'نیویورکر'

سیمور هرش خبرنگاری است که تا کنون بارها اقدام به افشای سیاست های پشت پرده دولت آمریکا نموده است. بر اساس مقاله پایگاه اینترنتی هفته نامه اشپیکل، خبر شکنجه زندانیان در زندان ابوغریب از سوی سربازان آمریکا، بدون انتشار مقاله سیمور هرش شاید هرگز فاش نمی شد. سیمور هرش در مقاله اخیر خود مدعی شده است که حمله اسرائیل به لبنان با اطلاع و پشتیبانی آمریکا صورت گرفته و بسی پیش از گروگان گرفتن دو سرباز اسرائیلی از سوی حزب... طراحی شده است. از آن گذشته وی عنوان کرده که حمله اسرائیل به حزب... مقدمه برنامه حمله نظامی آمریکا به ایران بوده است.

سیمور هرش در مقاله خود نوشته است که دولت اسرائیل برنامه حمله نظامی به لبنان و حزب... را مدتها پیش از گروگانگیری دو سرباز خود طراحی کرده بود و به اطلاع واشنگتن نیز رسانده بود. این موضوع که منبع خبری سیمور هرش کدام است، روشن نیست. وی مدعی شده که گزارش خود را متکی بر اطلاعاتی نوشته که از یک کارشناس مسائل خاورمیانه دریافت نموده. سیمور هرش عنوان نموده که ماجرای گروگانگیری دو سرباز اسرائیلی بهانه لازم را برای اجرای این برنامه نظامی در اختیار دولت اسرائیل قرار داده است. به گفته هرش، دولت اسرائیل تجهیز نظامی حزب... را خطری جدی برای امنیت خود ارزیابی می کرد. از این رو مقامات این کشور در اوایل تابستان امسال در واشنگتن با مقامات آمریکا پیرامون برنامه حمله به حزب... مشورت کردند. سیمور هرش به نقل از یکی از کارمندان سابق سازمان سیا می افزاید که آمریکا از اسرائیل خواسته که هرگاه برنامه ای برای حمله به لبنان دارد، بهتر آن است که این برنامه را زودتر به مورد اجرا گذارد. چرا که هرگونه تأخیر در این کار باعث تأخیر در برنامه آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

مجله نیویورکر در ادامه مقاله هرش فاش ساخته که بسیاری از بمبارانهای لبنان توسط جنگنده های اسرائیلی به همان شیوه ای صورت گرفته که در برنامه حمله نظامی آمریکا به ایران پیش بینی شده است. به ادعای سیمور هرش حمله نظامی اسرائیل به لبنان نسخه آزمایشی

**بخشی از سخنرانی آقای مهندس کورش زعیم
عضو هیئت اجرایی جبهه ملی ایران
در همایش حزب جامعه مدنی همدان
به مناسبت سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲**

پنجشنبه، ۲۶ مرداد ۱۳۸۵

نخستین ملتی که اصول دموکراسی و حقوق بشر را به جهانیان آموخت، نخستین ملتی که اداره شورایی کشور را ابداع کرد، نخستین ابرقدرتی که برای رهایی ملت‌های در بند جنگید، و کشوری که صدها سال در اوج قدرت جهانی خود، هرگز از شهروندان‌ش نپرسید مذهبشان چیست، اکنون خود در بند واپس‌گرایی و خودکامگی عقیدتی گرفتار آمده است. ولی، ملت بزرگ ایران همیشه در جنبش‌های مردمی علیه ستم و خودکامگی پیشگام بوده است. از جنبش کاوه تا بابک و ابومسلم و سرداران برای رهایی از استبداد عقیدتی و استقلال سیاسی، و از جنبش مشروطه خواهی تا نهضت ملی کردن نفت برای استقلال سیاسی و برقراری دموکراسی، ملت ایران همیشه سرمشق ملت‌های در بند منطقه بوده است.

از صد سال پیش که ملت ایران حماسه عظیمی را برای ادا شدن یک حکومت سلطنتی خودکامه و فاسد به تسلیم در برابر اراده ملت، بوجود آورد، که موج‌های آن از آسیای غربی تا شمال آفریقا احساس شد، تا به امروز، بطور پیاپی و با فواصل کوتاه‌تر و کوتاه‌تر جنبش‌های دموکراسی خواهی خود را ادامه داده است. زمین لرزه ای که انقلاب مشروطیت ایران ایجاد کرد، چنان حکومت‌های استعماری و سلفه گر را در آن زمان به وحشت انداخت که برای شکست آن اقدام به مداخله کردند تا به کشورهای دیگر منطقه سرایت نکنند. برخی روحانیان فرصت طلب آن زمان نیز به قصد ماهی گرفتن در آب گل آلود و ایجاد یک دیکتاتوری مذهبی، قصد انحراف جنبش را کردند که خوشبختانه با خشم ملت عقب رانده شدند. مردم سالاری بدست آمده از جنبش مشروطیت، که منجر به انتخابات آزاد و نخستین مجلس شورای ملی در آسیا شده بود، در اثر دخالت و کج اندیشی برخی روحانیان در هم شکست و به دیکتاتوری پادشاهی منجر شد.

نیم قرن بعد، ملت ایران برای بار دوم حماسه آفرید و با ایجاد نهضت ملی ایران به رهبری محمد مصدق، نخستین دولت ملی متکی به اراده مردم را بوجود آورد. ملت ایران نشان داد که چگونه می‌توان در یک نظام دموکراتیک با دولتمردانی هوشمند، درمستکار و میهن پرست، استقلال سیاسی خود را در چالش خطرناک ولی خردمندانه

در صحنه بین‌المللی به اثبات رساند و حقوق خود را بدست بیاورد. مبارزه ملی شدن نفت که تلاش برای رهایی از سلطه استعمار بود، نشان داد که چگونه یک دولت متکی بر مردم میتواند با خردمندی، قدرتمندترین و خطرناکترین دشمنان را با رعایت کلیه موازین، قوانین و معاهده‌های بین‌المللی، در خانه خودشان شکست دهد و در این راستا احترام همه جهانیان را هم کسب کند؛ بطوری که رهبرش بجای مغرور شدن در افکار عمومی جهان، قهرمان همه ملت‌ها هم بشود. جنبش استقلال طلبی و دموکراسی خواهی نهضت ملی ایران هم با خیانت بدخواهان داخلی و دخالت بیگانگان که نفوذ و منافع خود را با حاکمیت ملی و استقلال سیاسی ایران در خطر دیدند، و نیز برخی روحانیان که منافع خود را نه در رای مردم بلکه در همکاری با استبداد می‌جستند، با کودتایی نظامی پایان یافت. کودتای ۲۸ مرداد را، هرچند ما فقط به بیگانگان نسبت می‌دهیم، ولی هیچ قدرت بیگانه ای بدون همکاری شهروندان منحرفی که منافع شخصی و فرقه ای خود را در استقرار دموکراسی و آزادی گزینش برای مردم نمی‌بینند، امکان شکست دادن ملت ایران را ندارد.

ربع قرن پس از این کودتای کمر شکن، ملت ایران باز دیگر از خودکامگی و فساد و خشونت رژیم خودکامه و وابسته به بیگانه شاه، به تنگ آمد و سخت بر آن خروشید و سرنگونش کرد. این بار هم، همچنان که نوید آزادی و حاکمیت ملی و رای مردم در افق نمایان شد، برخی روحانیان وارد معرکه شدند و حاکمیت ملی را بنام مذهب و خدا و پیغمبر از دست مردم ربودند و چنان حکومتی از استبداد خشن و ستمگری برپا کردند که هنوز ملت ایران کمر خسته خود را بلند نتوان کرد.

همان ابرقدرتهایی که در آن زمان دموکراسی را از ما ربودند و مردمی ترین و محبوب ترین دولت تاریخ ایران را از میان برداشتند و یک استبداد فاسد و وابسته را جانشین کردند، اکنون پرچم دموکراسی را برای ما افراشته اند. آنها خود بخوبی می‌دانند که ملت بزرگ و با فرهنگ ایران خودش با جنبش مردمی و برنامه ریزی خردمندانه، توان اسحاق حقوق خود و برقراری مجدد دموکراسی را دارد و نیازی به شمشیر دور سر گردانی آنها ندارد. ما نیازی به کمک مالی و نظامی بیگانگان نداریم. آنها امتحان خود را در ملی پنجاه سال گذشته داده اند. تحركات مشکوک و اشتباه‌های تاکتیکی کنونی آنها در منطقه هم، نه تنها حسن نیتی در هدف‌هایش مشاهده نمی‌شود، بلکه نشانه بارز ضعف اطلاعاتی و بی‌خردی تصمیم گیرندگان آن است، که در صورت تداوم فقط به سود اقتدار گرایان جمهوری اسلامی خواهد انجامید. تهدیدهای تحریم و تهاجم آنها نسبت به ایران به جز تقویت موضع حاکمیت جمهوری اسلامی و تأخیر در استقرار حاکمیت ملی در ایران نتیجه ای نداشته و نخواهد داشت. تصور اینکه ابرقدرتها بخوابند، یا در این توهم باشند که می‌توانند، ملت ایران را از استبداد رها سازند و خرابکاری‌های پنجاه سال گذشته خود را نسبت به ملت ایران با توسل به زور جبران کنند، پشت ملت رنج‌دیده ایران را می‌لرزاند...

دیدگاه

دستور تعقیب روزنامه نگاران منتقد !!

نامه غلامحسین الهام سخنگوی دولت به سعید مرتضوی دادستان در مورد تحت تعقیب قرار دادن روزنامه نگاران و مطبوعاتی که به گفته او، دروغ و افترا به دولت و رئیس جمهور وارد می‌کنند از عجیب ترین اقداماتی بود که در شرایط جنگ حزب... لبنان و اسرائیل و محکومیت ایران بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد به توقف غنی سازی اورانیوم ظرف مدت یکماه، توانست این اخبار را تحت الشعاع قرار دهد. اصولاً اینکه سخنگویی به خود اجازه صدور چنین دستوری در خواستی به دادستان بدهد، خود جای بحث بسیار دارد و نشان می‌دهد مسئولان دولت فعلی حتی در سطح سخنگو تا چه حد به اصول دادرسی در کشورشان آشنا هستند! و از طرف دیگر تا چه حد به آزادی بیان احترام می‌گذارند و چگونه در مقام قاضی به ارزیابی مندرجات نشریات می‌نشینند و مطالب آنها را که انتقادی ولو سطحی در مورد دولتمردان داشته باشند، دروغ و افترا می‌نامند. اگرچه مقایسه این

رخداد با روش برخورد شادروان دکتر محمد مصدق با مطبوعات و نشریات مخالف، می‌تواند اهتبی به آن مرد بزرگ تلقی شود ولی بدنیست این نکته یادآور می‌شود که دکتر مصدق در اولین روز نخست وزیری‌اش به شهربانی کل کشور نوشت، که هرکس و روزنامه‌ای درباره من و دولت هر چه بنویسد از تعرض مصون است و شهربانی حق پی گیری و ایجاد مزاحمت برآن شخص و روزنامه را ندارد و او تا پایان حکومت ۲۸ ماهه اش همواره به این دستور وفادار ماند و هرگز متعرض هیچکس و هیچ روزنامه‌ای در ارتباط با آنچه که درباره او نوشته اند نشد. پدرستی که سعه صدر و تحمل و شکیبایی در مورد سخنان مخالف، ارزش والایی است که از هرکس نمی‌توان انتظار آن را داشت.

ایران در راه زاین یا کره شمالی؟

پاسخ ۲۰ صفحه ایران به بسته کشورهای ۵+۱ در روز ۱۳۸۵/۵/۳۱ بدون پذیرش شرط اولیه آن یعنی توقف غنی سازی اورانیوم، آشکارا پاسخ منفی و رد به این آخرین پیشنهاد کشورهای مزبور تلقی شده است. مخصوصاً اینکه چند روزی بیشتر به مهلت تعیین شده

در شورای امنیت باقی نمانده است. اکنون ایران در موقعیتی خطیر قرار گرفته که یا باید معارضه و مجادله جهانی را بپذیرد یا با راه مصالحه و مباحثات را در پیش گیرد. کره شمالی راه نخست را برگزید و برای ملتی گرسنه و غرق در فقر و بدبختی، چند بمب اتمی اولیه دست و پا کرد و ژاپن راه دوم را برگزید و در حالیکه بیشترین بهره برداری را از انرژی هسته‌ای داشته است؟ با اعتماد سازی جهانی، گذشته تجاوزگر خود را در اذهان جهانیان زدود و به کشورهای مترقی و پیشرفته تبدیل شد. در اینجا باید تفاوت‌های بنیادین جامعه ایران با کره شمالی را به دست اندرکاران حکومت یادآور شد و اینکه وقتی ترکیدن یک خازن در نیروگاه پایتخت را چندین ساعت به خاموشی فرومی‌برد (آنگونه که در اول شهریورماه رخ داد) و مسئولین اعلام می‌کنند که اگر خاموشی به ۶ ساعت می‌رسد، آب شهر هم قطع می‌شد و با تعطیلی بانک‌ها، مترو، ناتوایی‌ها و پمپ بنزین‌ها و... به یک فاجعه انسانی منجر می‌گردید، آنوقت چگونه ما در فکر ایجاد درگیری با کشورهایی هستیم که این نقاط ضعف ما را به کمک تکنولوژی اطلاعات، به‌تر از خود ما می‌دانند؟

پیوست بزرگداشت مشروطیت

یکصد سال پس از انقلاب مشروطیت
به کجا رسیده ایم؟

پاسخ پرویز ورجاوند به پرسش سایت روز:
مشروطه یا جمهوری، مساله این نیست

۲۳ مرداد ۱۳۸۵

مدتی است که تئوریسین های گروه های مختلف سیاسی برای مبارزه با استبداد و رسیدن به آزادی و دموکراسی دو روش 'مشروطه خواهی' و 'جمهوری خواهی' را در مقابل یکدیگر مطرح می کنند. اینکه در شرایط فعلی کشور، کدامیک از دو روش مشروطه خواهی و جمهوری خواهی بردیگری ارجحیت دارد، سوالی است که تاکنون اظهارات و تحلیل های مختلفی را برانگیخته است. عده ای مشروطه خواهی را تنها راه دستیابی به دموکراسی می دانند و عده ای دیگر جمهوری خواهی را بر برخی هم به دنبال راه های دیگر، که کمتر اصلاح طلبانه است، هستند. اما ابتدا باید دید که چه تفسیر جامعی از حرکت مشروطه خواهی داریم. اگر تفسیر درستی از مساله مشروطه خواهی داشته باشیم در می یابیم که حرکتی که در راستای استقرار مشروطیت در ایران به وجود آمد می توانست به طور طبیعی در گام بعدی روندی را طی کند که به یک ساختار جمهوریت برسد. به عبارت دیگر این دو حرکت را باید در امتداد هم دید و نه به عنوان دو دیدگاهی که با هم تفاوت بنیادین و فاحش دارند. زیرا اساس و جانمایه دیدگاه مشروطیت بر قانون گرایی، استقرار حاکمیت ملی، استقرار عدالت اجتماعی، توجه کامل به جامعه مدنی و برابری حقوق شهروندی است؛ که اینها در بستری سامان می یابد که "آزادی" نام دارد؛ یعنی آزادی قلم، آزادی بیان و اندیشه و دور بودن ساختار حکومتی از ساختار ایدئولوژیک و مذهبی. به عبارتی زمانی می توانیم شهروندان برابر داشته باشیم و شهروندان در جامعه به درجه یک، دو و سه و به خودی و غیر خودی تقسیم نشوند که برای اداره سرزمین و کشور و جامعه یک قانون جامع داشته باشیم. قانونی که به همه باشندگان این سرزمین، به اعتبار شایستگی هایشان امکانات بروز و ظهور موثری بدهد؛ و جامعه موظف باشد حقوق همه انسان ها را محترم بشمارد، و نه ابتدایی ترین، که یک زندگی شایسته انسانی برای همه انسان ها فراهم نماید؛ حتی برای انسان هایی که از توانمندی های لازم بی بهره هستند.

دیدگاهی که در روند مشروطیت به وجود آمد، دیدگاهی است که تکیه اصلی اش بر ایجاد مجلس شورای ملی بود. مجلسی که نمایندگان منتخب مردم در آنجا گرد می آیند و قوانینی را تصویب می کنند و هر مقام و نهاد و ارگان مسئولی در کشور ناگزیر است در چارچوب این قوانین عمل کند و پاسخگویی ملت باشد. به این اعتبار مشاهده می کنید که در چارچوبی که مشروطیت در ایران شکل گرفت، اگر یک قلدری مثل محمد علی شاه به وجود نمی آمد تا سامان را به هم بزند و کشور را در یک آشوب قرار دهد؛ ایران سرنوشتی دیگر می داشت. آن مداخله باعث شد مجموعه جامعه، حتی روشنفکرترین و آزادی خواه ترین افراد دنبال یک مرد قدرتمند باشند، که همان منجر به کودتای رضا شاه شد. بدین ترتیب اگر ساختار بسته دوران رضا شاه بر جامعه حاکم نمی شد، امروزه می توانستیم شاهد حکومت جمهوری باشیم که راه گذارش همان مشروطه خواهی بود که از ۱۵۰ سال پیش شروع شده بود.

اما امروزه، جامعه ایران به طور کامل و به گونه ای واقعا تاسف آمیز، بار دیگر در همان مسیری قرار گرفته که در آغاز حرکت مشروطه خواهی قرار گرفته بود. در وضع موجود، جامعه باز علاقه مند به قانونمند شدن و استقرار قانون فراگیری است که به همه باشندگان این سرزمین حق انتخاب سرنوشت را بدهد. جامعه طالب مجلسی است که در معنای واقعی کلمه، اعضای آن به طور مستقیم، خواست و رای و نیت مردم را نمایندگی بکنند.

در مقابل اما یک گروه ۱۲ نفری منصوب شده قرار دارد که به خود اجازه می دهند به ناحق و برخلاف تمام ضوابطی که در دنیای امروز سازی و جاری است، آدم های موردعلاقه خود را برگزینند و به جامعه عرضه کنند. مردم هم باید از بین برگزیدگان، شماری را انتخاب کنند. به همین علت می توان گفت اصلا مساله انتخاب به معنای واقعی کلمه و تعیین سرنوشت به دست مردم از طریق انتخاب و گزینش نمایندگان مورد علاقه شان، در کشور ما وجود ندارد. همین مشکل را نیز در مورد رییس مملکت، یعنی کسی که به عنوان رییس جمهوری خواهد بر مملکت حکومت کند شاهد هستیم. چنین است که در تمامی انتخاباتی که تا به حال برگزار شده، راه را بر حضور چهره های معتبر بسته اند.

بنابراین مساله امروز ایران اولویت دهی به جمهوری خواهی یا مشروطه خواهی

ملت ایران از معدود ملت هایی است که در جنبش های مردمی علیه حکومت های خودکامه و ستمگر، پشتناز و بدعت گذار بوده است. جنبش های مردمی ملت ایران همیشه سرمشی از آزادیخواهی برای ملت های دیگر جهان، بویژه در خاورمیانه بوده و سبب بیداری ملت های در بند و تلاش برای رهایی از اسارت حکومت های خودکامه بوده است.

یک قرن پیش، ملت ایران حماسه عظیمی را برای واداشتن یک حکومت سلطنتی خودکامه و فاسد به تسلیم در برابر اراده ملت، بوجود آورد که موج های آن تا روسیه، خاور دور، خاورمیانه و شمال آفریقا احساس شد. زمین لرزه ای که انقلاب مشروطیت ایران ایجاد کرد، چنان حکومت های خودکامه و فاسد منطقه را بوحشت انداخت که برای شکست آن اقدام به مداخله کردند. برخی روحانیان فرصت طلب نیز طبق معمول قصد ماهی گرفتن در آب گل آلود و ایجاد یک دیکتاتوری مذهبی، بنام مشروعه، به نفع خود کردند که خوشبختانه با خشم ملت به عقب رانده شدند. مردم سالاری بدست آمده از این جنبش که در انتخابات آزاد و نخستین مجلس شورای ملی در آسیا متجلی شده بود، بر اثر برخی تدریجی ها و اختلاف نظر های شخصیت های سیاسی و دخالت برخی روحانیان درهم شکست و به دیکتاتوری پادشاهی منجر شد.

نیم قرن بعد، ملت ایران بار دوم در یک سده، حماسه آفرید و با ایجاد نهضت ملی ایران به رهبری محمد مصدق، نخستین دولت ملی با تکیه گاه وسیع مردمی را، که در منطقه بی نظیر بود بوجود آورد و استقلال سیاسی خود را در چالش هوشمندانه در صحنه بین المللی به اثبات رساند. این بار نیز این پیروزی با دخالت بیگانگان که نفوذ و منافع خود را با استقلال سیاسی و حاکمیت ملی ایران در خطر دیدند، و برخی روحانیان که منافع خود را نه در رای مردم بلکه در همکاری با استبداد می جستند، با کودتایی پایان یافت.

ربع قرن بعد، ملت ایران بار دیگر از خودکامگی و فساد و خشونت به تنگ آمد و سخت بر رژیم استبدادی شاه خروشید و آنرا سرنگون کرد. برای بار سوم، نوید آزادی و حاکمیت ملی و رای مردم در افق نمایان شد. ولی دیری نپایید که باز برخی روحانیان "مشروعه طلب" وارد معرکه شدند و حاکمیت ملی را بنام مذهب و خدا و پیغمبر از دست مردم ربودند و چنان حکومتی از استبداد خشن و ستمگری و فساد بر پا کردند که هنوز ملت ایران کمر خسته خود را بلند نتوان کرد.

جبهه ملی ایران، همانند گذشته هشدار می دهد که این ملت را نمی توان بیش از این زیر سنگ آسیاب نگه داشت. حاکمیت جمهوری اسلامی، حتا با اندکی هوشمندی، باید بتواند درک کند که ادامه این خفقان و بی عدالتی به چیزی جز انفجار احساسات مردم منتهی نخواهد شد.

جبهه ملی ایران

تهران - ۱۴ مرداد ۱۳۸۵

پیوست بزرگداشت مشروطیت

لیست. ماهنوز در آغاز حرکتی هستیم که از ۱۵۰ سال پیش در مسکنت شروع شده و سرانجام در ۱۰۰ سال پیش در قالب فرمان مشروطیت به ثمر نشست: اما در ضمن امکان رشد به آن داده نشد و متوقف شد. بنابراین طبعی است که امروز ملت ایران به دنبال پشت سر گذاشتن مرحله پادشاهی و سلطنتی و «دوران جمهوری» باشد و به این نظر می‌رسد که درباره به شرایط گذشته رجعت کند. زیرا یکی از ویژگی‌های جمهوری است که فرصت بیشتری برای گردش قدرت در بین کسانی که بایسته کشور را اداره کنند فراهم می‌کند.

باید این امکان و جرح داشته باشد که همه شهروندان بتوانند در چارچوب یک سیستم در حزم یا چند حزم، مسابین جامعه را بر عهده بگیرند و در مسابله و رقابت قرار بگیرند و اگر مورد استقبال کثرت قرار گرفتند، قدرت و حکومت را در اختیار بگیرند. در مقابل گروه اقلیت هم نباید از امکان لغت کردن محروم شود. وضعیتی که ما امروز شاهد آن هستیم. می‌توان گفت ما امروز از این نظر حتی نسبت به خواسته های ۱۵۰ سال پیش ملت ایران نیز عقب تر رفته ایم. در دوران مشروطیت و همان دولت های لیم بند نیز تمام مردم مملکت در حکومت حضور داشتند و می‌توانستند به دست های مهم و حساس برسند.

پس مسابله اساسی در وضع موجود جامعه امروز ایران انتخاب بین آن دو گزینه نیست. بلکه مردم می‌خواهند در چارچوب ساختار موجود، یک جمهوری به معنای واقعی کلمه داشته باشند نه به پسزد و پیشوند. جمهوری ای که بر اساس اصل برابری شهروندان بتواند گزینی شده باشد. جمهوری که محورش مجلس شورای ملی باشد، مجلسی که بتواند در معنای وسیع کلمه، مردم را نمایندگی کند و خواست های آنها را بازتاب دهد. مجلسی که در چارچوب مصوباتش، دستگاه اجرایی را وادار به حرکت کند و در هر مرحله ای که آن را در مسیری نامناسب دید بتواند با آن برخورد نماید. بنابراین در آستانه مسابله مشروطیت، خواست های ملت ایران همان تحقق پیشوند به خواست های است که از ۱۵۰ سال پیش تا به حال برای مستبانی به آنها تلاش کرده و تصور می‌شد بعد از رویداد بهمن ۵۷، بتواند به همه آنها دسترسی پیدا کند. اما با گذشت ناسف امروز شاهدیم که مقدار وسیعی از آنچه را که به دست آورده بودیم از دست داده ایم. امروز حکومت در قبضه قدرت یک گروه معین انحصار طلب درآمده و اصل شایسته سالاری در گزینش ها برای اداره مملکت به کلی به فراموشی سپرده شده است. امروز ما شاهدیم که هموطنان اهل سنت مان با جمعیتی حوزی و خوش ۱۵ میلیون نفر به عنوان شهروندان درجه دوم و سوم محسوب می‌شوند. شاهدیم که چهره های فریبخته مملکت ما از این سرزمین رانده شده و در شیار افتاده اند و علم خود را در کنار قدرت یازوی حوزات رانده شده ایرانی در دستیار مردمان سرزمین های دیگر گذاشته اند. آنها می‌گویند که در داخل مانده اند یا تمام تپو از سوی حاکمیت پس رانده شده اند: حاکمیت در قبضه گروه اقلیتی است که راه های پیشرفت را بر اکثریت جامعه سد کرده است. بنابراین باید یکر تاکید می‌کنم امروز مسابله جامعه ایران به توقع ها و خواست های نخستینی بر می‌گردد که کوشند گام راه استقرار مشروطیت در حدود ۱۵۰ سال پیش برای آن تلاش کرده اند و هنوز ملت ایران در آرزوی دستیابی به آنهاست.

عجب حیران است که مرض را شناخته و طریق علاج هم معلوم و اقدام نمی‌فرماید. این اصلاحات عنقریب زایل خواهد شد، لیکن ما می‌خواهیم بلمست پادشاه و اذیت خودمان باشد، نه به دست روس، انگلیس و عثمانی.

منظرالدین شاه چنین کرد و فرمان مشروطیت را صادر نمود. حتی یک سله از فرمان مشروطیت گذاشته و از نظر آقای پرویز درجاوند، ماهنوز در فضای ناصرالدین شاه پس می‌رویم. ری در مورد مغزبندی و وضعیت مطبوعات آن دوره و امروز می‌گوید: «واقعیت مسابله این است که هنوز باید جامعه ایران راه به گونه ای در فضای ۱۵۰ سال پیش پیدا کند. یعنی زمانی که در روز ناصرالدین شاه حرکت های و جرح داشت، رساله های نوشته می‌شد، روزنامه های در قراسری مرزهای ایران چاپ می‌شد و به ایران می‌آمد و دست به دست می‌گشت. حتی اگر به گونه ای با یکدهدار کلاهش دادن شرایط قضیه را بر می‌گذاشت، آنوقت می‌بینیم که در فضای امروز ایران تمام سازمان های سیاسی ملکی که به زمان اپوزیسیون بشمار می‌روند که هیچ، حتی آن گروه های که خودی حساب می‌کنند و مدت ها مجلس را در اختیار داشتند، دولت و قوه ای اجرایی کشور را در اختیار داشتند، آنها هم برای داشتن یک روزنامه لوگان دچار مشکل اند. آن یکی خوتا روزنامه ای هم که در سطح کشور هنوز منتشر می‌شود، به شدت نگران برخورد های امنیتی یا پوشه های شان هستند و بنابراین یک خود سانسوری گسترده بر آنها حاکم است. هنوز می‌بینیم که مردم معتقدند زندگی برخی از مطالبی را که روی سایت ها می‌رود با مشکل شکست فیلترها باید به آنها دسترسی پیدا کنند و آنها را به یکدیگر از طریق کیبایدنکی که می‌دهند، برسانند.»

از نظر آقای درجاوند، آزادی بیان و قفس بطور یکسان برای تمامی شهروندان کشور و انتخاب نمایندگان مجلس بصورت آزاد، بی آنکه از فشار مقامات حکومتی چون شورای نگهبان بگذرند، همچون گذشته یک تابو است و امری ممنوعه است. شما هنوز شاهد این هستید که شماری از افراد به دلیل بیان مطالبی یا نوشتن مطالبی روانه زندان می‌شوند، حتی اگر این آدم فردی بوده است که در «وران» که به عنوان وکیل مجلس در مجلس سخنرانی پیش از دستور کرده به اعتبار آن سخنانش روانه زندان و یا به دادگاه اخصار و محاکمه می‌شود. بدین ترتیب، حالا شما شرایط اپوزیسیون واقعی کشور را که هیچگونه در کنار ساختار حاکمیت قرار نگرفته است، ببینید که در چه وضعی است. هنوز شما شاهدید که وکیل مدافع پرونده های مثل «قتل های زنجیردای» یا مثل روزنامه نگار یا دانشجو یان، اینها هم حتی در مرحله ای پیش می‌روند که دستگیر می‌شوند در زندان ملها نگهداری می‌شوند و به محکومیت های سنگین دچار می‌آیند. بدین ترتیب می‌خواهم بگویم که با وجود گذشت یک دوران یک قرن و بیسی از آن روزگار هنوز فضایی که در جامعه ایران حاکم است، همان فضایی است که جامعه ایران و ملت ایران و گروه و اصطلاح تحصیل کرده و لیبشند جامعه ایران بدنبال «مستبانی» به یک ساختار قانونی، به یک ساختار حکومتی مبتنی بر مجلس ملی است که نمایندگانش منتخب واقعی مردم باشند، نه اینکه از غربال یک گروه (منهزب) بگذرند و مردم، چه ویس جمهوری چه وکیل مجلس و چه عضو شورای شهر و روستا، بعد از اینکه اظهار نظر مقامات حکومتی رویشان انجام گرفته، از دل آنها بیرون افروزی را انتخاب میکنند.

مردم ایران در حکومت یوزوی یک حکومت قانونی و یا یک مجلس قانونی و منتخب مردم را تجربه نکرده اند. این تنها نمایندگانی هستند شده بودند که به مجلس راه می‌یافتند. آقای درجاوند می‌فرماید:

«قانونی که در دوران رژیم گذشته وجود داشت، بله! قوانین مختلفی بوجود آمد. طبعی بود که از زمانیکه مشروطیت شکل گرفت تلاش بر این شد که مجلس شورای ملی بتواند به عنوان قانون بر بی تمام زمینه های مربوط به زندگی جامعه و حکومت در ابعاد مختلف قانونگذاری بکند و ابتکار را ادامه داد. مصحی هر جنبه مشکل بزرگ حبارت از این بود که تقریباً از مجلس پنجم دیگر در واقع همان شرایط حاکم بر مجلس های گذرگونی بود که تا مجلس شانزده و خلف ادامه پیدا کرد، به گونه ای که فقط در مجلس هفدهم یک تغییراتی در آن در زمان دکتر محمد مصدق بوجود آمد و بعد، تا پایان سال ۵۷ مجلس ها بطور دقیق، منتها امروز این آقایان خیلی سریع می‌گویند، هرکس که می‌خواهد برود به مجلس بیست ما انتخابش نکنیم، آقای درجاوند خاطره ای نقل می‌کند از سانج آقا رضا منگ در دوران مصدق. وی از بازیگانان مرشدان و معشر شهر مشهد بود که موزه و کتابخانه ای «ملک» را نیز از خود برجای گذاشته است:

«یادمان نمی‌رود، این گلته ی سانج آقا رضا منگ است که یکی از عزیزان تعریف می‌کرد و می‌گفت: زمان مصدق ما رژیم پیش حاج آقا رضا ملک که آقا اجازه بدهید این نمایندگان مجلس مربوط به مشهد را مردم خودشان انتخاب میکنند. می‌گفت، او با آن نهجه قشنگ مشهدی اش گفت: «آقا مو تر مردنوم! سالی های سال است آن

در گفتگو با صدای آلمان

پرویز درجاوند: در عصو ناصر الدین شاه می‌رویم!

یکصد سال پیش در چنین روزهایی سرزمین ایران اوج خروش و خیزش مشروطه خواهی خود را از سر می‌گرفتند. و بدین گونه ملت ایران می‌رفت که به دوران توفیق از تاریخ خود گام نهاد. باید پرسید جامعه ی ایران و مردم این کشور طی یکصد سال گذشته تا چه اندازه به قانونمندی و آزادیخواهی مشروطه ی خود دست یافتند. هو این زمینه صدای آلمان طی گفتگویی با دکتر پرویز درجاوند، سمگگوی جبهه ی ملی ایران این پرسش را با او در میان گذارد.

داوود خندانچش

خطیب مشروطه خود در روحانی شهر مین محمد طباطبایی در نامه ی خود به زمامداران، عین التزله و مظفرالدین شاه نوشت: «کو آن همه راز و عهد و پیمان ... می‌دانید اصلاح تمام اینها منحصر است به تأسیس مجلس و اتحاد دولت و ملت ...

پیوست بزرگداشت مشروطیت

چهار نفر را من در آنجا می‌بندوم، حالا شما بگویید این چهار نفر کی باشند، اما من باید ببندم. بنا بر این می‌خواهم بگویم که در تمام طول دوران پهلوی هم دقیق تمام این کسان می‌توانستند به مجلس راه یابند، جز در مواردی استثنایی مجلس چهاردهم که دکتر مصدق و ۴ یا پنج نفر می‌آیند یا در مجلس شانزدهم که باز ۷ یا ۸ نفر همراه دکتر مصدق به مجلس راه پیدا می‌کنند. در غیر اینصورت در عمده موارد اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان که ضوابط قانونی برای کشور را تعیین می‌کردند. افرادی بودند از فیلتر حکومت می‌گذشتند و بعد می‌آمدند در مجلس می‌نشستند و قوانینی را می‌گذراندند. چنانکه شاهد این مسئله هستیم که فرض کنید چگونه شاه تلاش کرد برای بالا بردن توان خودش از نظر قدرت مانور حق برچیدن مجلس را بدست بیاورد و بتواند امتیازات فراوانی را تصویب خودش بکند تا از موضع قدرت یک ساختار حکومت در واقع فردی را در چارچوب ظاهری یک حکومت قانونی بتواند بر جامعه اعمال بکند. بنا بر این، مسئله دوران قبل از انقلاب هم هیچ تفاوتی ساختار حکومت قانونی اش با امروز نداشت که حاکمان جمهوری اسلامی معتقد به این اصل هستند که در چارچوب قانون اساسی دارند عمل می‌کنند. در چارچوب قانون اساسی به آقایون این قدرت داده شده که هیچ‌کس مورد بنیادین مملکت در اختیار یک فرد قرار دارد که می‌تواند عزل و نصب بکند و همه چیز را در اختیار دارد. این نص صریح قانون اساسی است. بنا بر این این حاکمیت هم الان ادعای این را دارد که بی‌بربرگرد من در چارچوب ضوابط قانونی دارم اینکارها را انجام می‌دهم. بنا بر این می‌خواهم بگویم، شکل ظاهر قانونمند بودن یک حکومت بیانگر این نیست که حاکمیت در چارچوب حاکمیت ملی عمل می‌کند و ازاده ملت در تعیین مجلس و ازاده ملت در تعیین حکومت و نظارت حکومت از طریق نمایندگان منتخب اش بر حکومت وجود دارد و جاری است.

سخنرانی دکتر هرمیداس باوند عضو رهبری جبهه ملی ایران در نشست بزرگداشت مشروطیت در خانه هنرمندان

از دیدگاه هگل فیلسوف شهیر آلمانی، سیر مترقیانه تمدن بشری حرکت به سوی آزادی است. به گفته او در دوران باستان معدودی افراد از این موهبت برخوردار بودند. در قرون وسطی برخی از گروه‌ها، ولی غایت روند تمدن بشری نیل به آزادی برای کل آبناء بشر است.

بی شک آزادی و حقوق بشر فرآیند قریب‌گامی و کوشش، جنگ‌ها و انقلاب‌ها بوده است و گویانکه اندیشه آزادی و حقوق بشر در مفهوم ارگانیک آن برای اولین بار در منشور کوروش متجلی و تا حدودی تحقق عملی یافت، ولی جامعه ایران از اواسط قرون وسطی در نتیجه تهاجمات و تحمیلات خارجی دچار تعبدگرایی مندرج در نظام سیاسی - اجتماعی وقت گردید. گویانکه فلسفه عقلانی و اندیشه اومانیزم عرفانی مستتر در رنسانس فرهنگی ایران برخاسته از خراسان، می‌توانست زمینه ساز رشد مفاهیم خاص از آزادی نسبی باشد. ولی سیر رویدادهای فاجعه بار اواخر قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی همراه با اولویت یافتن اصول گرای مذهبی جامعه ایران را دچار آنچنان غنودگی و توقف تاریخی نمود که وقتی در آغاز قرن نوزدهم به یکباره در معرض چالش قدرت برتر روسیه تزاری قرار گرفت و به موازات آن به طیف تعاملات سیاسی و دیپلماسی اروپا کشانده شد، بناگاه خود را فراروی توان و منطق برتر چالشگران از لحاظ نظامی، سیاسی، اقتصادی و علمی و فرهنگی یافت. مساعی اولیه برای بهره گیری از تضاد رقابت قدرت‌های ذیمدخل اروپایی چون فرانسه و انگلستان برای افزایش و ارتقای توان نظامی کشور در قبال تهدیدات روسیه فرآیند نافرجامی در پی داشت، که نتیجه ۲۸ سال برخورد‌های سیاسی و نظامی و مساعی دیپلماتیک نهایتاً ایران مجبور به پذیرش قرارداد ترکمانچای ۱۹۲۸ میلادی و پی‌آمدهای فاجعه بار سیاسی، اقتصادی، تجاری و حقوقی آن گردید. از این تاریخ به بعد ایران عملاً در چنبره تعاملات در چنبره تعاملات تحمیلی و مداخلات دو همسایه مقتدر و چالشگر قرار گرفت و سرنوشت آینده کشور در این چارچوب رقم خورد. روندی که در نتیجه فرآیند زیانبار آن هویت ملی ایران دچار بحران اساسی گردید. از یک سو ناتوانی نظام موجود در ایفای مسئولیت‌های تاریخی در قبال تحمیلات خارجی سبب از دست رفتن سرزمین‌هایی از پیکر جغرافیایی ایران، تن در دادن به قراردادهای نابرابر یازرگانی، اعطای امتیازات بی‌دری، وام‌ها و اسارت اقتصادی، همه و همه موجب گردید که مشروعیت تاریخی نظام مورد تردید قرار گیرد. از سوی دیگر مساعی

مکرر برای برون رفت از معضلات پیش آمده چون برنامه اصلاحات مطروحه از سوی عباس میرزا، امیرکبیر، میرزا حسین خان سپه سالار و امین الدوله از یک طرف و تلاش بی‌دری برای جلب حضور و همکاری قدرت‌های سوم از طریق ذینفع و ذیمدخل کردن آنها بمنظور کاستن و یا خنثی کردن فشارها و تحمیلات دو قدرت همسایه از طرف دیگر نیز ره به جایی نبرد. در نتیجه ترقی خواهان و مردم آگاه ایران چاره امر را در تغییر ساختاری نظام سیاسی وقت تشخیص داده، بر آن شدند با الهام از ارزش‌های مترقی جهان پیشرفته، که قبلانیز تا حدودی جامعه را فرسایش داده بود، نظم و نسق جدیدی و در عین حال مترقیانه بنا نهند. در انجام این مقصود مطبوعات منتشر شده در خارج از ایران چون حبل‌المتین، قانون، اختر، ملاصرالدین، عروه‌الوقفی و غیره، تجویزات اندیشمندی چون میرزا آقاخان کرمانی، میرزا عبدالرحیم طه‌بوف، میزا فتحعلی آخوندزاده، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و مستشار الدوله تبریزی و غیره نقش ویژه داشتند.

خلاصه آنکه مجموعه نارسایی‌ها و نابسامانی‌های داخلی و خارجی و فراتر از همه، انصاف هیئت حاکمه به فساد مزمن سبب گردید که گروه‌های مختلف جامعه راه نجات کشور را در تغییر سیاسی و پایان دادن نظام استبدادی مطلقه و برقراری نظامی منطبق با مقتضیات روز جستجو کنند. تجلیات انجام این مقصود بتدریج در دهه آخر سلطنت ناصرالدین شاه پدیدار گردید و با ترور وی سرعت عمل بیشتری پیدا کرد. در آغاز قرن بیستم پیروزی چشمگیر نظامی ژاپن، قدرت نوخواسته آسیایی بر روسیه و انقلاب پارلمنتاریسم ۱۹۰۵ در روسیه نیز پیام‌های خاص خود را برای کشورهای ایران و عثمانی در پی داشت که به نوبه خود زمینه را برای اعتراضات تشکلی یافته فراهم نمود. بدیگر سخن اعترافات پیوسته و ناپیوسته بتدریج در جهت مقابله جوی عمومی با حکومت پدیدار گردید.

در این خیزش عام، طبقات اجتماعی مختلف با افق سلیسی گوناگون شرکت داشتند. در رابطه با جنبش همگانی و اعتراض عام که زمینه ساز و نتیجه به انقلاب مشروطیت گردید، چهار عنصر اجتماعی نقش هدایت کننده داشتند که عبارت بودند از: ترقی خواهان روشنفکر، بازرگانان، علما و برخی از خوانین متصف به نظام عشیره‌ای. عنصر روشنفکر نماینده حرکت ترقیخواه، آزادی پارلمنتاریسم بمعنای جدی آن بود. عنصر روحانی در آرایش دینی با روح سیاسی جلوه کرد، که در مقابل روحانیون بنیادگرا و ضد مشروطه و روحانیون خواستار مشروطه مشروعه در اقلیت قرار داشتند. عنصر بازرگان در پی تأمین حقوق و منافع مالی و مخالف نفوذ اقتصادی بیگانه بود. و نقش عنصر خوانین عشیره‌نشین در انقلاب مورد بحث مشارکت انفعالی بود. خلاصه آنکه خیزش همگانی مردم که حمایت‌آزایی یکی از قدرت‌های ذریبط خارجی را همراه داشت متنی به پیروزی مشروطیت گردید.

انقلاب مشروطیت گویانکه اولین خیزش اجتماعی - سیاسی رادیکال در آسیا بشمار رفته است، ولی در برخی جهات با انقلاب‌های جهان غرب متفاوت بوده است. بدین معنی که برخی عناصر که در انقلاب‌های جهان غرب مورد خطاب اصلی و در عین حال متفی بودند، در انقلاب ایران جزو عناصر تشکیل دهنده آن جای داشته‌اند و همین امر سال‌های بعد سبب اختلال در هویت مشروطیت گردید. از سوی دیگر انقلاب ایران اگرچه فرآیند حرکتی خودجوش بمنظور تغییر ساختار سیاسی کشور به اقتضای تحولات و ضرورت‌های وقت بود، ولی در فضایی واقع در طیف و منافع استراتژیکی قدرت‌های استعماری ذریبط صورت گرفت و بهمین جهت آنها خود را در چگونگی فرآیند بعدی آن ذیمدخل و ذریبط صورت گرفت و بهمین ترتیب عمل نمودند.

دیگر آنکه حمایت بریتانیا از انقلاب مشروطیت صرفاً جنبه ابزاری داشت تا ارزشی، آن هم بمنظور خارج کردن دربار از زیر نفوذ مسلط روسیه تزاری و همچنین بکار بردن اهرم فشاری برای وادار کردن روسیه به پذیرش تقسیم ایران به مناطق نفوذ پیشنهادی که در سال ۱۸۹۵ از سوی روسیه استقبال نشده بود. اینک روسیه مقهور شده قدرت نظامی ژاپن و رها شده از سرکوبی انقلاب مشروطیت ۱۹۰۵ خود، و مواجهه با جبهه بندی‌های سیاسی نظامی اروپا برآن شد به پیشنهاد مجدد بریتانیا تن در دهد. بهمین جهت یکسال بعد از انقلاب مشروطیت ۱۹۰۶ توافق دو دولت‌ناظر به انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ دایر بر تقسیم ایران به مناطق نفوذ پدیدار گردید. زیرا بریتانیا نیک می‌دانست که شکوفایی و بارور شدن انقلاب مشروطیت بمنزله جرقه‌ای خواهد بود برای اشتغال شبه قاره هند. از سوی دیگر روسیه تزاری که یکسال قبل انقلاب مشروطیت را در سرزمین خود سرکوب کرده بود بیهیچوجه برایش قابل قبول نبود که انقلاب مشابه دیگری در همسایگی اش بارور شود. از هر دو دولت بر آن شدند ضمن حفظ چارچوب نظام مشروطیت عملاً آن را عقیم و ناکارآمد سازند.

ادامه در صفحه آخر

**خلاصه‌ای از بیانیه‌های جبهه ملی ایران در مردامه‌ها
در مورد خصوصی سازی، پشتیبانی از طرح کنگره فراگیر
دموکراسی خواهان، تهاجم اسرائیل به لبنان،
مرگ شادروان اکبر محمدی، سالگرد کودتای ۲۸ مرداد**

کودتای ۲۸ مرداد

لکه ننگی بر پیشانی سلطه گران جهانی و مزدوران داخلی آنها

تتها گناه من و گناه بزرگ و بسیار بزرگ من این است که صنعت نفت ایران را ملی کرده‌ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراتوریهای جهان را از این مملکت بر چیده‌ام و پنجه در پنجه مخوف ترین سازمانهای استعماری و جاسوسی بین المللی در افکنده‌ام. * جملاتی از آخرین دفاع دکتر محمد مصدق در دادگاه نظامی کودتاچیان
هموطنان عزیز!

وقتی دولت جبهه ملی دکتر مصدق با به ثمر رسانیدن جنبش ملی کردن صنعت نفت ایران شریان حیات اقتصادی و چنگال اهریمنی نفوذ سیاسی استعمار مکار و خونخوار انگلیس را قطع نمود و در ایران حکومتی مردم سالار با رعایت تمام موازین آزادیهای سیاسی مثل آزادی قلم و بیان، آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی مطبوعات و آزادی انتخابات را به منصف ظهور رسانید که میتواند الگویی از دموکراسی در منطقه خاورمیانه و حتی تمام آسیا شناخته شود و میرفت تا بساط استعمار و استبداد را در کل منطقه درهم بپسجد استعمار پیر بریتانیا راه چاره را در آن دید که بخشی از منافع کلان خود در ایران را به قدرت استعماری رقیب یعنی استعمار تازه به دوران رسیده آمریکا واگذارد و آمریکا را در طرح ساقط نمودن دولت ملی مصدق با خود شریک و همراه نماید.
... هموطنان شرافتمند ملت بزرگ ایران!

تجربه کودتای ننگین ۲۸ مرداد در میهن ما و دهها دسیسه و تیرنگهای دیگر در کشورهای منطقه تروتمند خاورمیانه با منابع زیرزمینی غنی و بازارهای مصرف پر سود به ما نشان میدهد که این منطقه مهم و استراتژیک همواره مورد مناقشه و کشمکش سلطه گران جهانی و قدرتهای فرامنطقه‌ای بوده و میباشد و همین قدرتهای شیطانی هستند که برای تامین منافع خود به انواع دسائیس و سوء استفاده از احساسات دینی و ملی کشورها و جنگ افروزی بین آنها و به خاک و خون کشیدن ملتها و علم کردن جنبشهای قلابی و سازمانهای تروریستی و ایجاد حکومتهای دست نشانده دست میزنند. امروز دخالت در منازعات قدرتهای فرا منطقه‌ای جز بازیچه شدن به دست آنها و تبدیل شدن به ابزاری برای تامین منافع یکی و قرار گرفتن در مقابل منافع دیگری هیچ سودی برای کشورهای منطقه ندارد. هو شیار باشیم که تنها در سایه مردم سالاری و با استقرار حاکمیت ملی است که میتوانیم منافع ملی خود را حفظ نموده و در جاده پیشرفت و ثبات گام برداریم و در دام توطئه چینی‌های قدرتهای سلطه گر گرفتار نشویم.
تهران- هیئت اجراییه جبهه ملی ایران - ۱۳۸۵/۵/۲۸

هشدار به ملت ایران

تصاحب اموال ملت بنام خصوصی سازی

... هموطنان عزیز:

اصل ۴۹ قانون اساسی، بعدها، بیشتر بخاطر قانونی جلوه دادن تملیک اموال مردم در سالهای اول انقلاب، به تصویب رسید. همین قانون نیز خود بعنوان حربه ای تازه برای خلع ید بیشتر اموال و داراییهای مردم مورد استفاده و سوء استفاده قرار گرفت و هنوز هم پس از ۲۸ سال چون شمشیری در بالای سر مخالفان حکومت جلوه می کند. اصل ۴۴ قانون اساسی آورده اندیشه‌ها و تجربیات چپ گرایان افراطی وابسته و منحرب ضد ملی، ضربه کاری نهایی را بر پیکر فعالیت اقتصادی غیردولتی و مردمی وارد آورد و کلیه فعالیت های اقتصادی عمده و بنیادی را در دست دولت قرار داد. بخش خصوصی تنها بصورت زائده ای از بخش دولتی درآمد که فقط می توانست بعنوان مکمل پایین دست فعالیت های اقتصادی دولتی و شبه دولتی باشد. ناتوانی دولت در اداره امور کشور و بی نقشی مردم در سایه دستورهای صدر اصل ۴۴ قانون اساسی از زمان پایان جنگ تحمیلی، سرانجام خود حاکمیت و متولیان امور اقتصادی کشور را بکمر اصلاح اصل ۴۴ و واگذاری بخشی از فعالیت های اقتصادی دولت به بخش خصوصی انداخت که در قانونهای برنامه دوم و سوم و چهارم منعکس است، ولی هرگز بطور واقعی و هدفمند مورد اجرا قرار نگرفته است.

امروز، پس از پانزده سال، حکم دولت زدهای از اقتصاد و فعالیت های غیر ضروری دولت، بصورت سیاست های کلی پنج اصل ۴۴ قانون اساسی* به رییس جمهور ابلاغ شده است -

بدون اینکه تکلیف مالکیت صنهدا شرکت و واحد صنعتی و دهها هزار ملک تجاری، مسکونی و کشاورزی در دست نهادها، بنیادها و ستادها روشن شود، که بر پایه همین دستور، واگذاری اموال دولت بنیادهای عمومی غیردولتی که به راستی بطور خصوصی مورد بهره برداری قرار گیرد سفارش شده است. صرفنظر از علت صدور این حکم در این زمان و ماهیت نیروهای فشار در پشت این اقدام، جبهه ملی ایران دولت زدهای از اقتصاد و فرصت دادن به بخش خصوصی و مردم را برای زنده کردن اقتصاد ایران و تامین رشد فزاینده اقتصادی برای پاسخ گویی به نیازهای جمعیت هفتاد میلیونی کشور، اقدامی ضروری می داند. کلید مردم سالاری سیاسی، مردم سالاری اقتصادی است.
... هموطنان عزیز،

خطری که اموال عمومی و دارایی های ملت ایران را تهدید می کند، از پیش آماده شدن همان سوداگران سنتی و همدستان آنها و جماعت توکیسه میدان دار وابسته، برای خرید بانکها، کارخانه ها و زمین ها و امتیازات متعلق به دولت در شرایطی است که ملت ایران هنوز از اصل موضوع و اهمیت آن آگاه نشده و شناخت لازم درباره چگونگی و روش اجرای آن در اختیار همگان گذارده نشده است.

صدور دستور اجرای سیاست های کلی پنج اصل ۴۴، فرصت تازه و دوباره ای را برای تصاحب اموال عمومی فراهم ساخته است. این حق و وظیفه همه مردم ایران است که نگذارند خصوصی سازی صرفاً بصورت انتقال مالکیت اموال و دارایی های مردم به گروهی تازه به ثروت رسیده که کمتر از یک درصد جمعیت را تشکیل می دهند در آید و برای نسل های آینده، اربابان قویتر مافیایی حکومتگر کنترل کننده انحصاری اقتصاد بوجود آورد.

جبهه ملی ایران هشدار می دهد که با فرصت و شرایطی که سرانجام پس از بیست و هشت سال انتظار پدید آمده است، نباید گذاشت که افراد و گروههای فرصت طلب خودمحمور حرفه ای، که بجای رفاه و خوشبختی مردم ایران ذلت و تحقیر را نصیب او کرده اند، بیش از پیش بر اقتصاد کشور مسلط شوند.

جبهه ملی ایران، تهران- ۴ مرداد ۱۳۸۵

پشتیبانی از طرح کنگره

هموطنان عزیز:

زمان تصمیم گیری بزرگ و شجاعانه و زمان تعیین سرنوشت فرا رسیده است. تاریخ ما را به آزمون بزرگ تعیین سرنوشت خویش و استقرار حاکمیت ملی و دموکراتیک فرا می خواند. آقای مهندس امیرانتظام در فرصت های مختلف، از جمله در پیشنهاد های "اصول میثاق ملی ایرانیان برای شکل دهی حکومت دموکراتیک، مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۴، گام به گام به سوی اجرای میثاق ملی مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۹، کنگره فراگیر دموکراسی خواهان مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۵ و بیست و شش سال ... زمانی برای آموختن مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۸ ضمن بیان دغدغه ها و نگرانی های خود، ما را برای نجات کشور به همدلی و همبستگی فراخوانده اند. با اینکه تا کنون شماری از جریان ها و شخصیت ها در درون و بیرون کشور نسبت به ساماندهی و اجرایی کردن تشکیل کنگره ملی ایران ابراز علاقه و آن را پشتیبانی کرده اند، ولی به باور ما، با توجه به افزایش بحران در اندازة های گسترده و در زمینه های گوناگون در کشور، بیش از این جای درنگ باقی نمانده است و اکنون ایجاب می کند تا در کوتاهترین زمان ممکن، گامهای موثری در راه انجام این مهم که، به اعتباری، می توان آن را اثرگذارترین جنبش برای نجات کشور بشمار آورد، و بوسیله آن ایران را از در غلتیدن در یک جنگ تحمیلی خارجی و آشوبهای داخلی برکنار داشت، برداشته شود.

از اینرو، ما اعضای سازمانهای جبهه ملی ایران و سازمانهای وابسته به جبهه ملی ایران، از تمامی سازمانهای سیاسی ملی، سازمانهای غیردولتی اجتماعی یا تخصصی و همه شخصیت ها و فعالان سیاسی نگران آینده ایران، صمیمانه خواستاریم تا با اعلام همبستگی و در عین حال بیان دیدگاههای خود، موجبات شکل گیری و اجرایی شدن "کنگره ملی ایران" را فراهم آورند. با آرزوی دستیابی به فرمایش امیدبخش و ایران رها از خودکامگی،

سازمان های ۲۹ گانه جبهه ملی ایران، تهران - پنجم مرداد ۱۳۸۵

جبهه ملی ایران

تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان را محکوم می کند

حمله وحشیانه هوایی اسرائیل به جنوب لبنان، تخریب تاسیسات غیر نظامی، بمباران مناطق مسکونی و حتی بیمارستان ها، آمبولانس ها، پایگاه نظارتی سازمان ملل و خودروهای امداد رسانی و غیره، که نه تنها از دیدگاه انسانی و نقض فاحش حقوق بشر بیچ وجه توجیه پذیر نیست و باید هر چه زودتر متوقف شود، بلکه در تخلف جنایتکارانه از قانونهای بین المللی منازعات میان کشورها نیز بشمار می آید. این حمله های گسترده که ظاهراً به عنوان واکنشی در برابر به گروگان گرفتن دو نظامی اسرائیلی بوسیله حزب الله انجام گرفت، شگفتی جهانیان را نسبت به ناپروری فاحش ابعاد این دو رویداد پراگندگی امروز، افکار عمومی جهان، از خاور تا باختر، تجاوز گسترده اسرائیل را به خاک لبنان محکوم میکند. عملکرد اسرائیل، افزون بر اینکه تخلف

مراسم بزرگداشت شهیدان سی ام تیرماه

در روز سی ام تیرماه به شیوه سالیهای گذشته حدود صد نفر از اعضای شورای مرکزی جبهه ملی و نمایندگان از سازمان های مختلف جبهه ملی ایران بر مزار شهیدان سی ام تیرماه در این بابویه حضور یافتند و با تار شاخه های گل بر مزار آنها یاد و خاطره شان را گرمی داشتند .
در این مراسم آقای مهندس رحمانی به نمایندگی از سوی نیروهای جوان جبهه ملی ، سخنانی را درباره آن رویداد بزرگ بیان داشتند که مورد توجه حاضران قرار گرفت .

گردهمایی اعتراض به مرگ اکبر محمدی

به گزارش ادواریوز در روز چهارشنبه ۱۱ مرداد گردهمایی اعتراضی دکتر تحکیم وحدت و سازمان دانش آموزان ایران پیرامون شهادت دانشجوی زندانی اکبر محمدی با عنوان " سوگ رهایی " برپا گردید . در این نشست چهره های سرشناسی از فعالین سیاسی و نمایندگان سازمان های مختلف حضور داشتند . و هر یک به کوتاهی به سخن پرداختند .
آقای دکتر هرمیداس پاونده عضو رهبری جبهه ملی ایران نیز در سخنانی کوتاه اظهار داشتند : برای من بسیار دشوار است که در چنین جمعی که برای بزرگداشت یک جوان آزادیخواه تشکیل شده است شرکت می کنم . امروز پس از یکصد سال مسئله در این است که آیا حکومت از آن مردم است یا مردم دکور و تزئین هستند . جوانان ما اکنون برای آزادی به پا خواسته اند و اکبر محمدی از جمله کسانی است که برای آزادی در ۱۸ تیرماه به پا خواست .
وی گفت که مرگ اکبر محمدی مانند پرسیاوشان باعث برخواستن جنبش آزادی خواهان خواهد شد .

دیدار با آقای منصور اصائلو رییس هیئت مدیره سندیکای اتوبوسرانان شرکت واحد

جمعه ۲۰ مرداد ، دو روز بعد از آزادی آقای اصائلو در پی بیش از هفت ماه و نیم زندان ، شماری از اعضای جبهه ملی شامل آقایان دکتر ورجاند ، دکتر مؤید زاده ، مهندس زعیب ، درودی ، مهندس رحمانی ، قادری و خانم درودی و چند تن

ادامه از صفحه ۷
آشکار از کنوانسیون های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و الحاقی بروکسل ، ناظر بر رعایت و مصون داشتن افراد ، اماکن و تاسیسات غیر نظامی هنگام بروز منازعات مسلحانه بین المللی است ، می باشد ، در بسیاری از موارد مشمول تعاریف جنایات جنگی می شود .

به نظر می رسد که هدف نهایی این تهاجمات ، که اسرائیل اعلام کرده ادامه خواهد داشت ، درگیر کردن سوریه در راستای نقشه غرب برای ایجاد یک "خاورمیانه نوین" است . ما به حاکمیت جمهوری اسلامی هشدار می دهیم که در این مقطع حساس و خطرناک ، هرگونه ناپرخوردی حاکمیت و خوش خیالی کسانی که به ارزشهای افراطی گری گرایش دارند و این رویداد را فرصتی برای نمایش قدرت ستیزگانه خود فرض می کنند ، فقط کشور ما را به سوی گرداب وحشتناکی که جز ویرانگری و خونریزی و مخاطره تمامیت ارضی کشور نتیجه ای نخواهد داشت ، سوق خواهد داد .

جبهه ملی ایران ، همدردی خود را با مردم ستمدیده لبنان اعلام می دارد و تجاوز گسترده و خودسرانه اسرائیل را به سرزمین بی دفاع لبنان ، که بر خلاف کلیه موازین بین المللی ، به ویژه نقض فاحش حقوق بشر ، صورت گرفته است ، قویاً محکوم می کند .

دیگر به دیدار ایشان رفتند . در این دیدار شماری از اعضای هیئت مدیران سازمان ادوار تحکیم وحدت از جمله آقایان مؤمنی و امینی زاده و آقای دکتر ناظری از جامعه سبز نیز حضور داشتند .

در این جلسه دکتر ورجاوند از مقاومت خوب و شجاعانه اعضای سندیکا ، هیئت مدیره و شخص آقای اصائلو سپاسگزاری کردند و یادآور شدند که حرکت شما نقطه عطفی در مبارزات برحق نیروهای کارگری ایران برای دستیابی به حق تشکیل سندیکا و تلاش برای حفظ حقوق کارگران بشمار می رود .

لازم به یادآوری است که جبهه ملی ایران در طول دوران برخوردارهای خشن حاکمیت با کارگران شرکت واحد ، در موارد مختلف با صدور اعلامیه هایی چند از حرکت آنها پشتیبانی همه جانبه بعمل آورد و این روند را دتا دستیابی کارگران تلاشگر ایران در دستیابی به حقوق برحق خود تداوم خواهد بخشید .

جلوگیری از برگزاری مراسم بزرگداشت سی ام تیر و یکصد و مین سالگرد جنبش مشروطیت

جبهه ملی به مناسبت بزرگداشت پنجاه و چهارمین سالگرد رویداد سی ام تیرماه و خیزش ملت ایران برای استقرار حاکمیت ملی و نفی حاکمیت فردی و همچنین بزرگداشت یکصدومین سال جنبش مشروطیت ، بر آن گردید تا نشستی را با حضور چند صد تن از اعضا و چهره های سرشناس آزادیخواه و تلاشگران راه اصلاحات و دموکراسی برپا دارد . در این راستا سائنی اجاره گردید و به وسیله تلفن به شمار زیادی از همماتان برای روز ۴ مرداد اطلاع داده شد . اما در نهایت تأسف سه روز قبل از برگزاری مراسم ، مدیریت تالار بر اثر فشارهای خاص ، اعلام داشت که نمی تواند اجازه برگزاری مراسم را بدهد . برخورد دستگاه های امنیتی با جبهه ملی پدیده ای دراز مدت است . آنها از اینکه جبهه ملی بتواند با برپایی نشست ها درباره رویدادهای تاریخی معاصر دیدگاه هایش را مطرح بسازد نگران هستند و با تمامی نیرو از برگزاری جلسه های سخنرانی و گفت و شنود جلوگیری بعمل می آورند و اجازه نمی دهند تا نسل جوان با واقعیت های تاریخی سرزمین خویش آنگونه که بوده است آشنایی بیابند . اینهمه در حالی است که قلب کنندگان و واقعیت ها از آزادی عمل کامل برخوردارند .

هشدار که سیه ابری که در آسمان لبنان برپا شده است ، باران خونینش را بر سر ما نبارد .

جبهه ملی ایران
تهران - ۸ مرداد ۱۳۸۵

مرگ اکبر محمدی ، برگ تنفر انگیز دیگری از خشونت و بی اعتنائی به حقوق اولیه انسانی

... مرگ دلخراش ، تأسف آور و پرمس انگیز اکبر محمدی ، دانشجوی آزادیخواه که هفت سال از بهترین دوران جوانی خود را در شرایط طاقت فرسای زندانهای جمهوری اسلامی گذرانده بود ، هشدار دیگری به آزادیخواهان ، محترضان و مخالفان بود که حاکمیت ، به دلیل ناتوان بودن از پاسخگویی در برابر ملت و به دلیل ضربه های سهمگینی که با عملکردهای نادرستش به منافع ملی وارد ساخته ، و به دلیل بی اعتبار شدن در برابر افکار عمومی جهان ، از هیچ رفتار غیر انسانی برای حفظ بقای خود ، بهر قیمت که شده ، رویگردان نیست .

جبهه ملی ایران
تهران - ۱۰ مرداد ۱۳۸۵

در گذشت مبارز فداکار جبهه ملی ایران زنده یاد جواد مادرشاهی

سر انجام در پی ماه ها بیماری سخت و تحمل رنج بسیار ، جواد مادرشاهی ، مردی با کوله باری سنگین از مبارزه و تلاش در راه آزادی وطن که همه عمر در سنگر جبهه ملی ایران شجاعانه حضور داشت ، جان به جان آفرین سپرد . مادرشاهی از آغاز جوانی از آغاز جوانی جذب نهضت ملی ایران گشت و در پی کودتای ۲۸ مرداد ، به نهضت مقاومت ملی پیوست . او در دوران پس از کودتا برای مدتی در مشهد میزبان شماری از اعضای خانواده دکتر مصدق بود و مورد اعتماد فراوان دکتر غلامحسین مصدق . به همین دلیل با تشکیل هیئت امنای آرامگاه دکتر مصدق ، به عضویت آن درآمد .

شادروان مادرشاهی در کنگره تختست جبهه ملی از سوی سازمان جبهه ملی خراسان به نمایندگی در آن کنگره شرکت داشت . در دوران بعد از انقلاب با توجه به فعالیت های موثر او در زمینه کشاورزی در دشت گرگان و اعتماد مردم به او از سوی دولت موقت برای سازمان دادن آشنگی ها در منطقه کنبد قابوس برگزیده گشت .

با انتشار خبر در گذشت او جمعی از یاران و هم اندیشان او با همگامی جناب آقای شاه حسینی نایب رییس شورای مرکزی جبهه ملی به مشهد رفتند و در مراسم خاکسپاری پرشکوه او شرکت کردند . آقای شاه حسینی بعد از خاکسپاری در سر مزار ، طی سخنانی به تجلیل از شخصیت آن شادروان پرداختند که مورد توجه همگان قرار گرفت . در روز دوشنبه نیز در مجلس یادبود آن زنده یاد در مسجد هاشمی که گروه های پرشماری شرکت کرده بودند ، بار دیگر آقای شاه حسینی در باره پیشینه زندگی آن بزرگمرد به سخنرانی پرداختند و نکته های بسیاری را درباره شخصیت و منش والای او و نقش آفرینی هایش بیان داشتند .

نام و یادش گرمی باد .

ادامه از صفحه ۶ : از تمامی رویدادها و سناریوهای سیاسی اجتماعی بعد از ۱۹۰۷ به توافق و رضایت دو قدرت استعماری وقت بود و همین امر در واقع عنصر داخلی مذکور در بالا موجب گردید که تا یکصدسال بعد اختلال مورد بحث در اشکال متفاوتی پابرجا بماند و مشروطیت هرآنگاه در چپره نظام استبدادی قرار گیرد ، چنانچه تلاش و جنبش مردمی دیگری که چهل و پنج سال بعد در پرتو ملی کردن صنعت نفت پدیدار گردید ، با آنکه ملی کردن صرفاً وسیله ای برای نیل به استقلال سیاسی و اقتصادی واقعی و برقراری نظام دموکراسی بشمار می رفت و از لحاظ حقوقی چه در بعد داخلی و خارجی قرین موفقیت گردید و از جهت سیاسی نیز مساعی بریتانیا در شورای امنیت با نافرجامی روپرو گردید ، ولی راهنما و رهنمون جنبش های مشابه در دیگر کشورهای منطقه گردید و فراتر از آن تمسک به بعضی اصول متروکه از سوی بریتانیا سبب گردید مه مجمع عمومی با تصویب قطعنامه های چند ، بر حاکمیت دائمی کشورها بر منابع طبیعی خود و آزادی عمل آنها در چگونگی بهره برداری از منابع مزبور برای توسعه اقتصادی شان تاکید نماید ، که به نوبه خود زمینه ساز تشکیل اوپک ، سازمان کشورهای تولید و صادر کننده نفت گردید .

نشریه داخلی
پیام جبهه ملی ایران
پا یاد دکتر مهدی آذر
تهران - صندوق پستی: ۱۱۴۹ - ۱۵۸۱۵
E-mail: jebhemelliiran@yahoo.com